

سبک‌شناسی لایه واژگانی سروده‌های پایداری سیدحسن حسینی

معصومه صادقی^{*۱}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۳۰

چکیده: سبک‌شناسی ادبی با رویکردهای پیشرفته خود، سعی بر کشف مضمون سخن شاعران داشته است. در میان انواع گوناگون، سبک‌شناسی لایه‌ای از جمله دقیق‌ترین شیوه‌های رایج در تحلیل متون ادبی است. در پژوهش حاضر، نویسنده با روش توصیفی-تحلیلی سعی بر تحلیل محتوا و فرم لایه واژگان سروده‌های سیدحسن حسینی داشته است. پژوهش پیش‌رو به دو سطح واژگان مفهومی و صوری تقسیم شده است و یافته‌های آن نشان می‌دهد: لایه مفهومی واژگان با بار معنایی دینی و حماسی، بیشترین کاربرد را در اشعار حسینی دارد تا جایی که حماسه‌های شاعرانه نیز، در خدمت زبان دینی درآمده و با آموزه‌های دینی مانند شهادت ترکیب شده و جنگاوری رزمندگان میهن به پرده تصویر کشیده شده است. بررسی لایه مفهومی شعر حسینی، از یک‌سو، هم‌آوایی و همراهی وی با جریان انقلاب اسلامی ایران را پدیدار می‌سازد و از سوی دیگر، نگاه هنر برای زندگی در سروده‌هایش را به مخاطب القا می‌کند.

واژگان اصلی: واژگان مفهومی، واژگان صوری، سبک‌شناسی، ادبیات

پایداری، سیدحسن حسینی.

* ۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار و نویسنده مسئول (sadeghi2002@yahoo.com).

مقدمه

سبک، شیوه متمایزی از کاربرد زبان با هدفی خاص و برای ایجاد تأثیر بر مخاطب و حاصل گزینش نوع ویژه‌ای از آواها، واژگان و ساختار نحوی است که به سبب وجود تفکر و بینش خاصی به وجود می‌آید. همچنین، در تعریف سبک گفته‌اند: «روشی از کاربرد زبان است که در یک بافت معین به وسیله شخص معین، برای هدفی مشخص به کارگرفته می‌شود» (Leech, 1981: 10).

بوفن سبک را نظم و تحرکی می‌داند که مردم در اندیشه‌های خود پدید می‌آورند (غلامرضایی، ۱۳۹۱: ۹). اختلاف و تنوع در سبک به سبب «نفوذ تقلید، تمرین، تأثیر عوامل بیرونی مانند عامل زمان و مکان است» (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۱۸۵). در این میان، سبک‌شناسی از روش‌هایی است که برای بررسی و تحلیل متون از آن استفاده می‌شود؛ در واقع، «سبک‌شناسی، مطالعه زبان و فکر یک اثر برای پیدا کردن سبک آن است» (شمیسا، ۱۳۸۸: ۳۸۶).

جورج مانون، سبک‌شناسی را علم بررسی ویژگی‌های زبانی می‌داند (بهار، ۱۳۴۹: ۱۱). یکی از انواع جدید سبک‌شناسی، سبک‌شناسی لایه‌ای است. در سبک‌شناسی لایه‌ای، یک اثر در پنج لایه آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک بررسی می‌شود (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۸). یکی از این لایه‌ها، لایه واژگانی است. در لایه واژگانی، متن از دو منظر مفهومی و صوری مطالعه می‌شود؛ از منظر مفهومی، مفهوم واژگان براساس اندیشه و ایدئولوژی‌ای که شاعر سعی در انتقال آن به مخاطب دارد، تحلیل می‌شود و از منظر صوری، کاربرد ظاهری واژگان اهمیت دارد.

یکی از شاعرانی که می‌توان سروده‌های او را از منظر سبک‌شناسی واژگانی مطالعه کرد، سیدحسن حسینی است. حسینی (۱۳۸۳-۱۳۳۵) از شاعران متعهد و انقلابی ادبیات فارسی است. او فعالیت‌های ادبی خود را در سال ۱۳۵۲ آغاز کرد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی به فعالیت در بخش ادبیات پایداری پرداخت. شهرت عمده او در شعر به واسطه دو مجموعه هم‌صدا با حلق اسماعیل و گنجشک و جبرئیل است. غالباً، مضامین این دو مجموعه بر محور عاشورا و کربلا است. صلابت کلام، روح حماسی، استواری سخن، تخیل قوی و تصاویر نو از جمله عوامل موفقیت او در این مجموعه‌ها است (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۶۵۵). حسینی، شاعری نواندیش و دگراندیش و شاعری است که در آثار منظوم خود به مضامین دینی، انقلابی، سیاسی و اجتماعی پرداخته و گاه با زبان طنز پرده از واقعیات جامعه

برمی‌دارد و از شرایط حاکم بر اجتماع و مردم روزگار خود انتقاد می‌کند و حرف‌های جدیدی متناسب با نسل زمان خود دارد. همین ویژگی‌ها موجب گشته سبک شعری شاعر در نگارش و محتوا با دیگر شاعران هم‌عصر او متفاوت باشد.

بیان مسئله

در سبک‌شناسی لایه‌ای، یک اثر در پنج سطح آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک بررسی می‌شود. در این نوع سبک‌شناسی لایه آوایی، واژگانی و ایدئولوژیک از لایه‌های برجسته زبانی هستند که به مطالعه متن در شکل صوری و محتوایی آن می‌پردازند. مقصود از لایه آوایی، بررسی آوهای زبان است؛ آن‌گونه که در گفتار تولید و ادراک می‌شود (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۳۸).

در سطح آوایی، شکل صوری زبان و ارتباط آن با محتوا در زنجیره و بافت کلام بررسی می‌شود. منظور از الگوی آوایی، قافیه، وزن، هم‌صدایی، واج‌آرایی، سجع و غیره است (همان: ۲۴۷). جانسون معتقد است، آوا در سازه‌های زبانی یک شعر می‌تواند با تبیین و انتقال مضامین اجتماعی ارتباط داشته باشد (Jonson et al., 2015: 110). مقصود از لایه واژگانی، «بررسی کوچک‌ترین واحدهای معنادار زبان، ساختمان واژه و شیوه ساخت واژه‌ها، معنای آن‌ها، ائتلاف معنایی واژه‌ها با هم، دال‌ها و نشانه‌ها و مانند آن است. بررسی این سطح از سبک به کمک دانش تکواژشناسی (علم صرف) امکان‌پذیر است» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۳۸).

واژه در ساختار جمله، مهم‌ترین ابزار برای بیان و انتقال اندیشه به مخاطب محسوب می‌شود. انتخاب واژگان و قراردادن آن بر زنجیره کلام، براساس نظم و هدف مشخصی صورت می‌گیرد. «اهمیت‌گزينش واژگان تاحدی است که جلوه‌های هنری شعر، به نوع‌گزينش و چیدمان خاص واژگان بستگی دارد» (عمران‌پور، ۱۳۸۸: ۱۶۷). همچنین، هر واژه در کنار «واژگان هم‌جواری غنای نهایی و ژرفش را آشکار می‌کند و دلالت‌های معنایی جدیدی می‌یابد» (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۲۹). واژه‌ها در بافت کلام براساس ویژگی‌های صوری و معنایی از یکدیگر متمایز می‌شوند. «هر طیف واژگانی تناسب خاصی با نوع اندیشه و سبک دارد.

اندیشیدن انتزاعی یا حسی، سخن عامیانه یا رسمی، کهن‌گرایی یا نوواژه‌سازی، هر کدام بیانگر شکلی از تفکر هستند. افزون بر این، واژه‌ها دارای شاخص‌های عقیدتی و ایدئولوژیک نیز هستند. ختثایی و نشان‌داری واژگان، ارزش‌شناسی زیادی در تعیین محتوا و سرشت ایدئولوژیک یک شعر دارند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۶۶). در این پژوهش، واژگان شعر سیدحسین حسینی از دو منظر مفهومی و صوری مطالعه می‌شوند.

سید حسن حسینی در آثار خود، هم‌شکل آوایی زبان را در نظر داشته و هم به محتوای آن توجه داشته است. واژگان آثار او از دو منظر مفهومی و صوری قابل بررسی است. در بخش مفهومی، واژگان از چهار منظر مفاهیم دینی، حماسی، سیاسی و عاطفی محل توجه بوده‌اند. در بخش صوری، سروده‌های شاعر از منظر واژگان حسی، انتزاعی، کاربرد نو و کهن بررسی شده‌اند.

در این پژوهش، تلاش می‌شود به پرسش‌های ذیل پاسخ داده شود:

۱. واژگان اشعار سیدحسین حسینی در چه لایه‌های کوچک‌تری قابل بررسی است؟
۲. از منظر مفهومی و صوری، چه جزئیاتی در لایه‌های واژگانی اشعار حسینی دیده می‌شود؟
۳. الگوی واژگانی حسینی در تعیین سبک خاص شعری او چه نقشی دارد؟

پیشینه پژوهش

پیرامون پیشینه موضوع پژوهش حاضر، باید خاطر نشان کرد، سبک‌شناسی لایه‌ای پژوهشی نو و جدید و تاکنون آثار اندکی با این رویکرد بررسی شده است؛ اما، کتاب و مقالاتی در دست است که با مبانی نظری این پژوهش مرتبط است. در میان آثار موجود در این زمینه، می‌توان به کتاب سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها (۱۳۹۰) تألیف محمود فتوحی اشاره کرد. فتوحی در این اثر به مبانی سبک‌شناسی لایه‌ای و انواع آن پرداخته است. همچنین مریم در پر در مقاله‌ای با عنوان «سبک‌شناسی لایه‌ای: توصیف و تبیین بافت‌مند سبک نامه شماره ۱ غزالی در دو لایه واژگان و بلاغت» (۱۳۹۳) با رویکردی انتقادی، یکی از نامه‌های غزالی را از منظر دو لایه کاربردشناسی و نحو بررسی کرده است. حسن مقیاسی و سمیرا فراهانی نیز، در مقاله «سبک‌شناسی لایه‌ای در خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه» (۱۳۹۳) به سبک‌شناسی لایه‌ای و تبیین مؤلفه‌های سبکی خطبه‌ای از نهج‌البلاغه پرداخته‌اند.

محمد رضا صرفی و مژگان و نارنجی در مقاله «سبک‌شناسی لایه‌ای اشعار انقلابی و مذهبی طاهره صفارزاده (لایه آوایی و واژگانی)» (۱۳۹۴) سروده‌های این شاعر معاصر را از منظر لایه آوایی و واژگانی بررسی کرده‌اند. احمد کریمی و کلثوم وقاری نیز، در مقاله «تحلیل اشعار سیدحسین حسینی از منظر صور خیال» (۱۳۹۰) به بررسی انواع تصویرهای شعری در سروده‌های حسینی پرداخته‌اند؛ اما، تاکنون، پژوهشی که اشعار سیدحسین حسینی را از منظر سبک‌شناسی لایه‌ای بررسی کند، صورت نگرفته است.

انواع لایه‌های واژگانی در شعر سیدحسین حسینی

۱. لایه مفهومی واژگان

زبان در واژه‌ها شکل می‌گیرد و واژه‌گزینی، یک فعالیت زبانی - شناختی است. زبان در پس واژگان و الفاظ بار معنایی خاصی را به مخاطب منتقل می‌کند و این بار معنایی می‌تواند اندیشه و ایدئولوژی را دربر گیرد یا حامل بار احساسی متن باشد. در این بخش، نخست، واژگان ایدئولوژیک و سپس، واژگان عاطفی در سروده‌های شاعر موردپژوهش بررسی می‌گردد.

۱-۱. مفاهیم دینی

گروهی، دایره شمول دین را وسیع در نظر گرفته‌اند و آن را شامل هر نوع جهان‌بینی و ایدئولوژی می‌دانند. با این نگاه عام، دین شامل ادیان آسمانی، امور مقدس و حتی مقدس نیز می‌شود. گروهی نیز، آن را صرفاً محدود به امور مقدس می‌دانند (همتی، ۱۳۷۵: ۲۴-۲۲). با در نظر داشتن این دیدگاه‌ها نسبت به مسائل دینی، بی‌تردید می‌توان آن را در دایره نگاه ایدئولوژیک قرار داد. «شعر دفاع مقدس، به‌عنوان شعری ایدئولوژیک با ماهیت ملی و مذهبی» (امیری خراسانی و اکرمی‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۷)، بستر مناسبی برای بیان مفاهیم دینی و اعتقادی فراهم کرده است. سیدحسین حسینی در سروده‌های خود پیوسته از واژگان دینی استفاده کرده است. این کاربردها در حوزه آموزه‌های دینی، شخصیت‌ها و دورنمای تاریخ دینی صورت گرفته است.

۱-۱-۱. آموزه‌های دینی

با تحلیل لایه‌های واژگانی گوناگون در شعر معاصر ادب فارسی و به‌ویژه شاعر مورد بررسی، مفاهیم و مضامین دینی بسیاری آشکار می‌شود. این مضامین معمولاً با استفاده از آرایه تلمیح و تضمین، به مفاهیم قرآنی یا احادیث و روایات اشاره می‌کنند و شاعر تلاش خویش را به‌کار می‌بندد تا تصویرگر آن مفهوم دینی باشد و با واژگان برگزیده ذهنی‌اش، مخاطب را نسبت بدان مضمون آگاه کند. حسینی که صبغه دینی در لایه‌های اشعار و سروده‌هایش پررنگ جلوه می‌کند، در مجموعه شعری هم‌صدا با حلق اسماعیل به این مضامین قرآنی توجه کرده است:

«آنان که حلق تشنه به خنجر سپرده‌اند/ آب حیات از لب شمشیر خورده‌اند/ تا در بهار بارش خون بارور شود/ نخلی نشانده‌اند و به یاران سپرده‌اند/ بار امانتی که فلک برتافتش/ بر دوش جان نهاده در این راه برده‌اند» (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۰).

شاعر در این شعر با تلمیح به آیه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» مبارزانی که در راه حق مبارزه کرده و در این راه جان خود را فدا می‌کنند، امانت‌دارانی می‌داند که بار امانت الهی را بر دوش خود حمل کرده و تا رسیدن به هدف خود که همان شهادت در راه خداوند است، از ادامه راه و طی کردن مسیر خسته نمی‌شوند؛ لازم به ذکر است، «در آیه مورد بحث، امانت، عبارت‌است از چیزی که خدای تعالی آن را به انسان به ودیعه سپرده تا انسان آن را برای خدا حفظ کند و سپس، به صاحبش یعنی خدای سبحان برگرداند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: جلد ۱۶، ۵۲۴).

از میان نمونه‌های بسیار در سروده‌های حسینی که لایه واژگانی آن‌ها گزاره دینی را دربر می‌گیرد، می‌توان به بیت ذیل اشاره کرد:

«روزی خوران سفره عشق‌اند تا ابد/ ای زندگان خاک! مگویید مرده‌اند» (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۰).

شاعر در این بیت با تضمین آیه ۱۶۹ سوره مبارکه آل عمران (وَلَا تُحْسِنَنَّ الَّذِينَ الْيَئِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَالًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ)، علاوه بر نقل مضمون آیه در قالب شعر، هریک از واژگان را نیز، با لایه‌های واژگان قرآنی تطبیق داده است. روزی‌خواران با «برزقون»، سفره عشق با «عند رهم»

تا ابد با «استمرار در فعل مضارع «برزقون»، ای زندگان خاک با «تخاطب درون آیه» و مرده‌اند با «امواتا» به یکسانی لایه‌ای رسیده‌اند.

بررسی لایه مذهبی از لایه‌های زبان‌شناختی شعر حسینی، علاوه بر آشناکردن مخاطب شعری وی با شخصیت مکتبی این شاعر معاصر ادب فارسی، تبیین‌کننده مخاطب‌شناسی دقیق شاعر است؛ چراکه، عامه مردم کشورمان و حتی دیگر کشورهای فارسی‌زبان، دارای رویکرد دینی و نگاه ایمانی خاصی به مسائل گوناگون زندگی هستند؛ به دیگرریان، یک لایه زبانی در شعر باید دارای بستر مناسب در نزد مخاطبین نیز، باشد. شاعر در سروده‌های خود با کاربرد واژگانی همچون وضو، نماز، تلاوت قرآن و دیگر واژگان مشخص‌شده ذیل، لایه مذهبی اشعارش را پررنگ جلوه می‌دهد. طبیعی است که این هم‌آوایی واژگانی در لایه مذهبی واژگان، آرایه‌های ادبی گوناگونی همچون مراعات‌نظیر را نیز دربرمی‌گیرد:

- «پیر شیراز وضو ساخته از چشمه عشق / غرق در خلسه خونین نمازی دگر است» (همان: ۲۷).

- «بلند می‌شوم به نماز / و تسبیح نفسم / پاره می‌شود / روی سجاده‌ای که به بی‌نهایت می‌انجامد» (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۴).

- «سینه‌ام هر دم تلاوت می‌کند / سوره‌ای کوچک ز قرآن دلت» (حسینی، ۱۳۸۶: ۴۳).

- «امشب به زیارت نواحی فریاد تو آمده‌ام / شاید لب‌هایم / مقدس شوند» (حسینی، ۱۳۹۱: ۲۰).

شاعر در کاربرد اندیشه‌های دینی خود و القای آن به مخاطب به شیوه‌های مختلف متوسل می‌شود. در بیشتر موارد واژگان مذهبی بار انتقالی مفاهیم را برعهده دارند. واژگانی همچون «آیه‌الکرسی»، «عرش»، «شیعه»، «تکبیر»، «نصر من الله»، «لقاءالله»، «قرآن»، «اسلام»، «خدا»، «وضو»، «نماز»، «ایمان»، «مناجات»، «مسلمان»، «ذکر» و «توحید» نشان‌دهنده ایدئولوژی مذهبی شاعر هستند. در این واژگان، آموزه‌هایی وجود دارد که برای فرهنگ دینی مردم و مخاطبان شاعر آشناست؛ هرچند، شاعر قصد القای این آموزه‌ها را نداشته است؛ اما، چنین امری نشان‌دهنده ایدئولوژی حاکم بر اندیشه اوست.

۲-۱-۱. شخصیت‌های دینی

سید حسن حسینی گاهی برای بیان مفاهیم و مضامین دینی خود از نام و القاب شخصیت‌های مذهبی استفاده می‌کند. مجموعه‌های هم‌صدا با حلق اسماعیل، سفرنامه گردباد و گنجشک و جبرئیل از آثار حسینی هستند که دربرگیرنده بسامد بالایی از نام‌های دینی و مذهبی است. نام‌هایی همچون «عمار»، «ابوذر»، «حیدر علیه‌السلام»، «ذوالجناح»، «ذوالفقار»، «علی مرتضی علیه‌السلام»، «حسین علیه‌السلام»، «زینب علیها‌السلام»، «عباس علیه‌السلام» و «پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله» از آن جمله‌اند:

- «یار وفادار رسول عصر خویش اند/ عماروش، بوذرمنش، حیدر مآب‌اند» (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۶).
- «ای خدا ای خالق مولا علی/ از کنارت نیست راهی تا علی/ من تو را می‌خوانم اما بر زبان/ می‌رود بی‌اختیارم یا علی/ در علی اندیشم و آیا خدا؟/ در تو می‌اندیشم و آیا علی؟» (حسینی، ۱۳۸۸: ۳۶).
- «قرآن بخوان/ آن‌گاه/ با ذوالفقار/ بر اژدها بتاز» (حسینی، ۱۳۹۱: ۴۴).

کاربست این نام‌ها از سوی شاعر، جهت تقویت لایه دینی واژگان سروده‌های اوست که تسهیل در تصویر و تطبیق امر دینی و شخصیت موردنظر با امر معاصر و شخصیت آن برای مخاطب را به‌همراه دارد. شعرهای «سفرنامه خیزران» (۱۱)، «از حدیث متواتر باران» (۱۵)، «درد و چشم ذوالجناح» (۲۷)، «کرامت سرخ» (۲۹)، «منطق سیال» (۵۵)، «بین خدا و خاک» (۶۳) از مجموعه «گنجشک و جبرئیل» - که دربرگیرنده سروده‌های عاشورایی و انقلابی شاعر است - به توصیف کربلا و صحنه‌های آن و امام حسین علیه‌السلام پرداخته است.

۳-۱-۱. دورنمای تاریخ دینی

همان‌گونه که اشاره شد، حسینی با بهره‌بردن از واژگان دینی به تبیین افکار و اندیشه‌های خود پرداخته است. او گاه در اشعار خود از دو بُعد زمان و مکان در خلق تصویر شعری یاری جسته تا پدیده معاصر را به‌صورت بهتر و دقیق‌تر متصور شود:

«تبری می‌جوییم/ از سنگ جاهلی/ که نرخ مروارید محمدی را شکست/ و از پولادی/ که در کوفه/ برج آفتاب را به دو شق کرد/ و در عاشورا/ بوسه‌گاه نبی را/ درنوردید» (همان: ۳۲-۳۳).

در این شعر «جاهلیت» و نیز «عاشورا» دو لایه واژگانی دینی از جنس زمان و «کوفه» لایه دینی از بعد مکان است؛ با نگاهی ژرف درمی‌یابیم حسینی با استفاده از دو لایه واژگانی دینی یادشده، خود و هم‌مسئله‌کنش را که در دوره معاصر زندگی می‌کنند، از پیروی از تفکر جاهلی و همراهی جبهه باطل علیه ولایت محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله برحذر می‌دارد؛ درواقع، وی سیر تاریخی زمانی (جاهلیت و عاشورا) را با آوردن نام یک مکان (کوفه) تکمیل کرده است.

۱-۲. مفاهیم حماسی

جنگ، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین علت‌ها برای پرداختن شاعران به حماسه است. جنگ همراه با دلاوری، رشادت و حماسه‌آفرینی‌های رزمندگان است و شاعر در توصیف میدان جنگ، بن‌مایه‌های حماسی را متبلور می‌سازد. درون‌مایه‌های شعر جنگ، باورها و اعتقادات مذهبی - شیعی است. به همین سبب، می‌توان آن را حماسه دینی به‌شمار آورد؛ حماسه‌ای که با باورهای دینی پیوند دارد، حضور در صحنه‌های نبرد و بیان ایثارگری‌ها و از خودگذشتگی‌های سربازان، یادآور صحنه کربلا و شجاعت و دلاوری یاران امام حسین علیه‌السلام است.

پرکاربردترین قالب برای بیان مضامین حماسی قالب‌های غزل و رباعی است. هر حماسه با ستودن فردی با عنوان قهرمان حماسه، همراه است؛ «درواقع، یکی از رویکردهای حماسی، استفاده از شخصیت‌های ملی و دینی است که خود عاملی برای برانگیزانندگی نفوس بوده است» (جعفری قریه‌علی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۰).

در ادبیات کهن فارسی و حماسه‌های مربوط بدان همچون شاهنامه حکیم فردوسی، این قهرمان معمولاً یک یا چند شخص معین بوده‌اند؛ اما، در شعر معاصر، ماهیت این قهرمان حماسی از یک نفر به گروهی از افراد تبدیل می‌شود. جنگ هشت‌ساله تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران، میدان کارزاری بود که شاعران معاصر ادب فارسی با بهره‌گیری از ذوق و

ادب خویش، در آفرینش هنری حماسه‌های جاودان آن نقش به‌سزایی داشتند؛ حماسه‌هایی که رنگ‌وبوی واقعی داشت و تفاوت عمده آن‌ها با حماسه‌های کهن، در واقعی‌بودن آن بود.

۱-۲-۱. آموزه‌های حماسی

سیدحسن حسینی که رگه‌های دینی در شعرش موج می‌زند، گاه سروده‌های حماسی خویش را با آموزه‌های دینی مانند شهادت ترکیب می‌کند و جنگاوری رزمندگان میهن را به‌تصویر می‌کشد. این شاعر معاصر پس از آن‌که با استفاده از فعل جمع، تمام رزمندگان را به‌عنوان قهرمانان حماسه‌اش برمی‌گزیند، با کاربست لایه حماسی واژگان، سعی بر مدح حماسی آنان دارد. گزینش واژگانی شاعر برای تقویت لایه حماسی سروده‌اش بسیار دقیق و باظرافت انجام شده است:

«این طرفه مردانی که خصم خوف و خواباند / بر حلق ظلمت خنجر تیز شهاباند / نیلوفر عشق‌اند و با شوق شهادت / گرد نهال سبز حق در پیچ و تاب‌اند / برگرده شب باوران و شب‌پرستان / شلاق سرخ آذرخش اضطراب‌اند / از نسل سرخ سربه‌داران سلحشور / نام‌آوران خطه دار و طناب‌اند» (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۶-۱۵).

حسینی وقتی مبارزان را توصیف می‌کند، از واژه «خصم» استفاده می‌کند. طبیعی است که این واژه بار حماسی بیشتری نسبت به دشمن دارد و مخاطب در هنگام خوانش حماسی، این برتری حماسی خصم نسبت به دشمن را درک می‌کند. انتخاب واژگان و هم‌آوایی حروف نیز، بر تأثیرگذاری متن و حماسی‌شدن آن افزوده است.

لباو معتقد است: «علاوه بر ترتیب واژگان، نوع آواها نیز، می‌تواند در تأثیرگذاری یک عبارت یا متن نقش داشته باشد» (labov et al., 1972:235). سبب این امر نیز، کاربرد حروف «خ» و «ص» در واژه «خصم» و بهره‌بردن از واج‌آرایی حرف «خ» در عبارت «خصم خوف و خواباند» است. گاهی، حسینی مستقیم به واژه «حماسه» اشاره کرده است:

«ای در قرار سرخت مفهوم بی‌قراری/ در بستر حماسه خونت همواره جاری» (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۹).

تکرار این واژه در مجموعه‌های شعری مختلف وی بر صلابت و استحکام و حماسی شدن شعر او افزوده است. با توجه به آنکه حسینی در ادبیات پایداری قلم زده است، بسامد واژگان حماسی در سروده‌های او بالاست. مجموعه‌های هم‌صدا با حلق اسماعیل، گنجشک و جبرئیل و سفرنامه گردباد، بیشترین حجم واژگان حماسی را دربر دارد. شاعر در بیان اندیشه‌های حماسی خود از واژگان حماسی که پر صلابت و استوار است، استفاده کرده است. واژگانی همچون «شهادت»، «استقامت»، «قیام»، «جهاد»، «خروش تندر»، «نام‌آوران»، «دلیری»، «نعره»، «فریاد»، «مرگ»، «توفان»، «هماورد» و غیره در سروده‌های شاعر فراوان به کار رفته و کلام او را محکم و استوار ساخته‌اند.

۱-۲-۲. نشانه‌های رزمی

حسینی از ابزار و آلات جنگی نیز در سروده‌های خود استفاده کرده که کاربرد این سلاح‌ها به سخن او شور و حالی حماسی می‌بخشد. واژگانی همچون «بمب»، «توپ»، «خمپاره»، «زره»، «شمشیر»، «خنجر» و غیره در سروده‌های او فراوان دیده می‌شود:

- «بکش شمشیر ایمان را/ بزن راه پلیدان را/ به چنگال جهان‌خواران/ فرو کن خنجری دیگر» (همان: ۱۳).
- «گلوگاه فریاد ما را درید/ همان تیغ‌هایی که می‌آختیم/ بخوان قصه آسیاب است و باد/ و ما نیزه‌داران که می‌تاختیم» (حسینی، ۱۳۸۸: ۳۱).
- «پرشور/ از نور گفته بودی و آن آرواره بی‌ذوق/ با آن ردیف آخته دندان/ تیغ و سنان/ بر مطلع کلام تو می‌خندید» (حسینی، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۵).

در این نمونه‌های شعری کاربرد واژگانی همچون «شمشیر»، «خنجر»، «تیغ»، «نیزه» و «سنان» که از سلاح‌های جنگی قدیم در میدان رزم بوده، کلام شاعر را حماسی و استوار ساخته است و صحنه‌های نبرد و دلاوری را برای مخاطب تداعی می‌کند.

۳-۲-۱. شخصیت‌های حماسی

حسینی، گاه در سروده‌های خود به داستان‌های شاهنامه و نام‌های پهلوانان آن اشاره می‌کند و با قراردادن ایران باستان در مقابل دوران معاصر، شکوه و عظمتی خاص به کلام خود می‌بخشد. در سطور شعری ذیل، تم درونی و نمایه‌ظاهری واژگان، حاکی از الهام شاعر از فضا و ضرب‌آهنگ اشعار حکیم فردوسی در شاهنامه است:

- «دیو سیاهی مظهر تلواسه‌ی شب/ می‌خورد مغز اختران در کاسه‌ی شب/ در باغ‌ها جای صنوبر دار می‌رست/ بر کتف ظلمت ساقه‌های مار می‌رست/ ماران سر از سوراخ بیرون می‌کشیدند/ مغز سر نام‌آوران را می‌مکیدند» (حسینی، ۱۳۸۶: ۳۸).
- «اما خلق/ این/ کاوه/ کاوه/ کاوه خلائق/ این دشمنان خوی ضحاک/ دیدند در خورشید نشان» (همان: ۴۸).

این شعر به داستان ضحاک ماردوش و قیام کاوه آهنگر اشاره دارد. شاعر با اشاره به این داستان و یادآوری ظلم و ستم ضحاک، مردمی را که در مقابل بیدادگران و حاکمان جور مقاومت می‌کنند، به کاوه مانند کرده که با ضحاک زمانه‌ی خود در جدال و مبارزه هستند. واژگان «ضحاک»، «دیو سیاهی»، «مکیدن مغز سر نام‌آوران» و «مارهای رسته‌شده بر کتف ظلمت» نماد ظلم و بیدادگری است و «کاوه» نماد قیام در مقابل ستم است. با توجه به اینکه «تکرار درگفتار و نوشتار نقش ارتباطی با مخاطب دارد» (Moon, 1997: 54)، شاعر با تکرار واژه «کاوه» بر مؤکد بودن کلام خود افزوده است و تصویری از جامعه‌ی پیش از انقلاب و قیام مردمی علیه طاغوت را برای مخاطب به تصویر می‌کشد. سخن از پهلوانان و ذکر نام آنان در منظومه هم‌صدا با حلق اسماعیل بسامد فراوانی دارد.

۳-۱. مفاهیم سیاسی

با مطالعه سروده‌های حسینی می‌توان لایه سطح واژگان سیاسی وی و در نتیجه، اندیشه‌های سیاسی‌اش را دریافت و سپس بررسی و نقد کرد. در میان اشعار شاعر مجموعه هم‌صدا با حلق اسماعیل بیشترین بار واژگانی سیاسی او را دربر دارد که در این مجموعه، افکار و اندیشه‌های خود را نسبت به مسائل سیاسی کشور نشان می‌دهد.

۱-۳-۱. شخصیت‌های سیاسی

در لابه‌لای سروده‌های حسینی با اشعاری روبه‌رو می‌شویم که خطاب به شخصیت‌های سیاسی کشور همچون امام خمینی رحمت‌الله‌علیه، شهیدان والامقام رجایی و باهنر و غیره که هریک از جمله چهره‌های سیاسی با سمت‌های مدیریتی در سطح کشور (رهبر، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و غیره) بوده‌اند، سروده شده است. به‌عنوان مثال، در نمونه ذیل، حسینی هموطنانش را به همراهی با امام راحل رحمت‌الله‌علیه دعوت کرده است:

«هم آواز خمینی شو ز جان و دل حسینی شو/ بزنی در عرصه عالم صدای محشری دیگر»
(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۳).

شعر زیر نیز که در سوگ شهید رجایی و باهنر سروده شده است، نشان از غم و اندوه شاعر در ازدست‌دادن یاران دیرین انقلاب است:

«زد سوگ سرخ یاران بار دگر شررها/ بر جمع هم‌سرایان بر خیل هم‌سفرها/ از وادی سپیده
پیکی ز ره رسیده/ کز هجرت شقایق بازش بود خبرها/ این امت دلاور زین بس بسان
کوثر/ زاید بسی رجایی بسیار باهنرها» (همان: ۲۶).

این اهتمام شاعر به آوردن نام چهره‌های شاخص سیاسی پس از انقلاب در شعر، نخست نشان‌دهنده همراهی و هم‌آوایی با جریان انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی است و دیگر اینکه وی، با تکیه بر نگاه هنر برای زندگی، هنر خویش یعنی طبع ذوق شعری‌اش را با عرصه‌های مختلف زندگی همچون سیاست درآمیخته است.

شعرهای «بهاریه» (۱۳) (در وصف امام خمینی رحمت‌الله‌علیه رهبر انقلاب)، «رسوایی سراب» (۲۳) (در سوگ شهدای هفتم‌تیر)، «زمزمه جاوید خون» (۲۷) (در سوگ شهید دستغیب)، «مردی از تبار شرف» (۵۴) (درباره شهید اندرزگو)، رباعی «داغ کویر» (۱۱۶)، «در سوگ شهید مطهری»، «تبار عاشقی» (۱۱۸) (در سوگ شهید بهشتی)، «خرمن کفر» (۱۲۰) (به یاد دکتر علی شریعتی)، از مجموعه هم‌صدا با حلق اسماعیل از نمونه شعرهای سیاسی اوست که شاعر در این سروده‌ها با زبانی عاطفی به بیان جایگاه این بزرگان پرداخته است.

۱-۳-۲. احزاب سیاسی

همان گونه که پیش تر بیان گردید، سیدحسن حسینی شاعری پرجنب و جوش و دارای انگیزه‌های اجتماعی سیاسی فراوانی بود و تأثیر این توجه به سیاست در لایه‌ی واژگانی شعرش نیز، آشکار گردیده است. فضای فکری همراه با جنبش مردمی، بخشی دیگر از سروده‌های شاعر در وصف «حزب‌الله» است:

«امروز لفظ پاک «حزب‌الله» / گویا که در قاموس «روشن فکر» این قوم / دشنام سختی است / اما من خوب یادم هست / روزی که «روشن فکر» / در کافه‌های شهر پر آشوب / دور از هیاهوها / عرق می خورد / با جان فشانی‌های جانبازان «حزب‌الله» / تاریخ این ملت / ورق می خورد» (همان: ۵۳).

حسینی در این شعر از «روشن فکران جامعه» انتقاد می کند و جان فشانی و جانبازی در راه وطن را از آن حزب‌الله می داند که همواره مورد هجمه و حمله به ظاهر روشن فکرانه تن پروران سست اراده قرار گرفته که در پوشش روشنفکری در جامعه زیست می کنند.

۱-۳-۳. رویکرد سیاسی

شاعر در سروده‌های دیگری از بیگانگان و دشمنان خارجی انتقاد می کند و انزجار و نفرت خود را نسبت به آن‌ها بر زبان می آورد. در سروده ذیل که از مجموعه شعری هم صدا با حلق اسماعیل انتخاب گردیده است، شاعر در پی بیان نفرت و انزجار خود از آل سعود (خاندان حاکم بر عربستان) است:

«بوسه بر قبر پیمبر ممنوع / بوسه بر پنجه شیطان مشروع / چهره منحوسان آل سعود / ننگ بر زشتی قاموس شما / دین فروشان هم آواز جهود / زود باشد که بگیرد ناگاه / شعله در خرمن سالوس شما» (همان: ۵۶).

در این شعر، سادگی و بی آلاچی و واژگان همراه با شفافیت قصد درونی مبنی بر ذم آل سعود و بیزاری جستن از آنان، سبب گشته تا شاعر با به کارگیری این لایه‌ی واژگانی، به راحتی مضمون سخن خود را در خدمت تم اصلی سروده که همان نقد بی پرده آل سعود است، به مخاطب عرضه کند.

این مضامین در شعرهای «آل اسلام به پا می‌خیزد» (۵۶) (در مخالفت با آل سعود) و «سنگر نصرمن‌الله» (۱۸) (در انتقاد از حزب بعثی عراق) و «نبرد» (۱۸) (خطاب به شیطان بزرگ آمریکا) از مجموعه هم‌صدا با حلق اسماعیل مشهود است.

۴-۱. مفاهیم عاطفی

در خلال بررسی این گونه واژگانی، به ادب غنایی می‌رسیم. واژگان عاطفی، ریشه در ادبیات غنایی دارد و سرچشمه اصلی این گونه ادبی، بیان عواطف و احساسات شاعر است. درحقیقت، «شعر غنایی، سخن گفتن از احساسات شخصی است؛ یعنی، تمام احساسات از نرم‌ترین آن تا درشت‌ترین احساسات با همه واقعیاتی که وجود دارد» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۵۴: ۱۱۲). شعر غنایی، موضوعات متنوعی همچون «مدح، هجو، فخر، سوگنامه، شکایت، حبسیه، وصف طبیعت و غیره را دربر می‌گیرد» (داد، ۱۳۸۰: ۱۸۹). مضامین غنایی، از دیرباز در شعر فارسی کاربرد داشته است و شاعران برای بازگ کردن عواطف و احساسات خود از واژگانی که بیشترین بار معنایی و عاطفی را داشته‌اند، استفاده می‌کردند. در میان قالب‌های شعر کلاسیک، غزل از پرکاربردترین قالب‌ها برای این نوع ادبی بوده و شاعران در این قالب به بیان عشق، معشوق، عاشق، وصال، هجران و غیره می‌پرداختند. در شعر نو نیز، این نوع ادبی رایج است و در تأثیرگذاری سخن شاعران بر مخاطب نقش مهمی را ایفا می‌کند. مضامین ادبیات غنایی در ادبیات پایداری نیز تکرار می‌شوند؛ اما، این مضامین در این نوع ادبی بار معنایی و مفهومی دیگری دارند و جلوه‌هایی خاص می‌یابند.

حسینی نیز، با آگاهی از تأثیر بالای این گونه ادبی بر مخاطب، گزینش واژگان سروده‌هایش را در پرتو آن قرار داده است و گاهی در نام‌گذاری سروده‌های خود نیز، از واژگان غنایی استفاده می‌کند. در مجموعه سفرنامه گردباد، برخی از سروده‌های شاعر «گردباد روح مجنون» (۴۱)، «غم غربت» (۵۴)، «پل‌های ویرانی» (۵۶)، «کودک عشق» (۱۰۴)، «غزل هرگز» (۱۰۱)، «خسته‌ام دوستان» (۱۰۶)، «مرغ عشق» (۱۲۲)، «ترکیب دل» (۱۶۴)، «زخمه عشق» (۱۶۷)، «کار دل» (۱۶۵) نام دارد که این عناوین، بیانگر محتوای عاطفی و احساسی شعرهای اوست.

از جمله بن‌مایه‌های شعر غنایی، پرداختن به عشق و متعلقات آن است که پیشینه‌ای تاریخی در ادب فارسی داشته و حسینی نیز با این الهام از شعر پیشینیان، سعی بر کاربست این لایه وازگانی در شعر معاصر داشته است:

«در آنجایی که معماری کند عشق/ بنای شهر آبادی خراب است/ درنگی نیست ما را در ره عشق/ شتاب لحظه‌ها پا در رکاب است» (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۸-۱۷).

شاعر، حضور عشق را با عدم حضور هرچیز به غیر آن برابر می‌داند یا به عبارتی دیگر، وجود عشق را بر هر وجودی برتر و بالاتر می‌بیند. همچنین، مکث و تعلل و توقف در مسیر عشق - عشق به هرچه که می‌خواهد باشد - برای وی سنگین و طاقت‌فرسا است. یا در سروده‌ای دیگر، از عاشقی سخن می‌گوید و آن را فراتر از خواسته‌های جسمانی (هوس) فرض کرده و به فراخور عشق، برای آن تمثیل آسمان در قفس را آورده است:

«عاشقی در هوس نمی‌گنجد/ آسمان در قفس نمی‌گنجد/ منم و عشق و خلوتی که در آن/ هیچ‌کس هیچ‌کس نمی‌گنجد» (همان: ۶۰-۵۹).

در مجموعه هم‌صدا با حلق اسماعیل نیز، چندین رباعی با نام عشق وجود دارد که در آن مضامین عاشقانه به کار رفته است: «تبار عاشقی» (۱۱۸)، «شولای عاشقی» (۱۱۹)، «آتش عشق» (۱۲۱)، «قبای عشق» (۱۲۳)، «نافه عشق» (۱۲۷)، «دیباچه عشق» (۱۲۸) و «سوار عشق» (۱۵۲).

چنانکه در دو شاهد شعری ذیل دیده می‌شود، واژه شادی نیز که نمایانگر به‌کارگیری لایه وازگان عاطفی و در پی آن ادب غنایی است، فضای طرب‌انگیزی را رقم زده و بار عاطفی سروده را افزون کرده است:

- «ز بام خانه شادی هلا ای مرغ آزادی/ سرود تازه‌ای سرکن بزن بال و پری دیگر»
(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۴).

- «در من گرفت شعله حسی شگفت و شاد/ گویی که از مشام دلم بوی گل گذشت»
(حسینی، ۱۳۸۸: ۱۶).

از دیگر مظاهر وجود عاطفه در شعر، غم و اندوه و غربت است که در اینجا شاعر متناسب با مخاطب خود بدان می‌پردازد:

«تو غیر غربت و غم از دلم نمی‌گیری / صفای آینه‌ای رنگ غم نمی‌گیری / تو برخلاف نفس‌های زندگی سوزم / سراغ مرگ مرا دم‌به‌دم نمی‌گیری» (همان: ۵۵-۵۴).

حسینی در این شعر درحالی‌که از غم و اندوه و ستم زمانه بر خود می‌نالند، معشوق را منجی و سبب رهایی خود از این تکاپوی زندگی پیرانده می‌داند.

با بررسی مجموعه‌های شعری حسینی درمی‌یابیم، آنچه موجب گشته سخن پرشور و حماسی شاعر بر مخاطب تأثیرگذار باشد، کاربرد واژه‌های غنایی است؛ واژگانی که در بعضی مجموعه‌ها همچون سفرنامه گردباد، هم‌صدا با حلق اسماعیل، در ملکوت سکوت و گنجشک و جبرئیل از بسامد بالایی برخوردارند. اگرچه، بیشتر سروده‌های شاعر انقلابی و دینی است؛ اما، این واژگان در زنجیره کلام و در کنار واژگان حماسی، دینی و سیاسی بر تأثیرگذاری سخن شاعر و تأکید کلام او می‌افزایند. واژگانی همچون «عشق»، «مرگ»، «غم»، «اندوه»، «نال»، «غربت»، «بی‌قراری»، «خشم»، «حسرت»، «شادمانی»، «مهربانی»، «سوگ»، «گریه»، «خنده» در سروده‌های شاعر از بسامد بالایی برخوردارند؛ گفتنی است، واژگان احساسی که شاعر در سروده‌هایش به کار می‌برد، با موضوع و مضمون مجموعه‌های شعری او تناسب دارد. همچنین، واژگان غنایی در قالب‌های سنتی شاعر همچون غزل، رباعی و دیگر قالب‌ها بیشتر از قالب‌های شعر نو مشهود است.

۲. لایه‌های صوری واژگان

۱-۲. واژگان حسی و انتزاعی

در تعریف واژگان انتزاعی و حسی باید گفت، واژه‌هایی که بر عقاید، کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی دلالت دارند انتزاعی‌اند و واژه‌هایی که بر اشیای واقعی و محسوس دلالت دارند، عینی و حسی‌اند. درحقیقت، واژه‌های ذهنی، واژه‌هایی تیره‌اند که تصویر روشنی از مدلول خود در ذهن خواننده ایجاد نمی‌کنند (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۵۱)؛ زیرا، خواننده تصویری از این واژگان در دنیای بیرون از ذهن خود ندارد. در بررسی سبک ادبی یک اثر، باید بسامد این نوع واژگان را در نظر داشت. «شفافیت سبک ادبی و تأثیر هنری آن ناشی از غلبه

واژه‌های حسی و تیرگی و ابهام سبک، محصول بسامد بالای واژه‌های ذهنی است» (همان: ۲۵). هراندازه واژگان عینی در اثری بیشتر باشد، آن اثر بهتر می‌تواند مفاهیم را به مخاطب منتقل کند. واژگان ذهنی در مقابل واژگان عینی قرار می‌گیرند. کاربرد این واژگان در شعر موجب وسعت‌بخشیدن به ذهن مخاطب و تقویت جنبه تجسمی ذهن او می‌گردد و آنچه موجب می‌شود واژگان ذهنی برای مخاطب قابل درک شوند، کاربرد واژگان عینی در کنار واژگان ذهنی و گاه، تلفیق آن دو است. مخاطب برای درک این نوع واژگان، باید بیشتر تلاش کند تا رابطه میان این واژگان را دریابد.

در شعر حسینی واژگان انتزاعی و محسوس در محور کلام در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و واژگان عینی به درک مخاطب از واژگان انتزاعی کمک می‌کنند:

«از این پس عبور از دلم ساده نیست/ که معمار پل‌های ویرانی‌ام/ ببینید دریای خشم مرا/ در آرامش روح طوفانی‌ام» (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۴).

در این شعر، «پل»، «دریا» و «طوفان» واژگانی عینی و محسوس و «دل»، «خشم»، «آرامش» و «روح»، انتزاعی و نامحسوس هستند. حال، شاعر توانسته با درهم‌آمیختن این دو مفهوم انتزاعی و محسوس، ذهن مخاطب را درگیر یک ترکیب واژگانی کند و در پی این درنگ در خوانش، بر ارزش ادبی سروده بیافزاید. این نوع کاربرد واژگانی، در جای جای اشعار حسینی به چشم می‌خورد:

«بر پنجه شب تشنه همواره خون/ بارید از هرگوشه‌ای فواره خون/ خفاش را بال و پرواز بستند/ با گرز ایمان گردن شب را شکستند» (حسینی، ۱۳۸۶: ۴۰).

در این نمونه نیز، واژگان «پنجه»، «شب»، «فواره»، «خون»، «خفاش»، «بال و پرواز»، «گرز» و «گردن» واژگانی عینی و محسوس و «تشنه»، «پرواز» و «ایمان» انتزاعی و ذهنی هستند که در بافت کلام شاعر در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. ترکیب لایه واژگان انتزاعی و حسی، توانایی پرداخت موضوعات شعری گوناگون و احساسات درونی را به شاعر می‌دهد. ازجمله این احساسات درونی، رنجوری شاعر معاصر از هیاهو و شلوغی و درهم‌تنیدگی زندگی اجتماعی در عصر جدید است که حسینی نخست از این امر شکوه کرده است و

سپس از سخنان بیهوده که مانع رواج سخن درست می‌شود، احساس خستگی می‌کند. او تمام این مضامین را با درآمیختن امور انتزاعی و محسوس در سروده ذیل بیان می‌کند؛ «اصوات»، «غول»، «غوغاها»، «حرف‌ها» و «برهنه» واژگانی انتزاعی و «کاروان» و «دد» امری حسی است:

«ملولم از دیو و دد اصوات/ و از غول غوغاها/ که راه می‌بندد/ بر کاروان حرف‌های برهنه»
(حسینی، ۱۳۹۳: ۷۰).

با بررسی آثار حسینی درمی‌یابیم که بسامد واژگان ذهنی در سروده‌های او بیشتر از واژگان عینی است؛ به عبارت دیگر، شاعر اندیشه خود را به صورت شفاف و ملموس بیان نکرده است. البته، هنر حسینی در آن است که میان واژگان ذهنی و عینی تلفیق ایجاد می‌کند و در بیشتر ترکیب‌هایی که به کار می‌برد، واژگان عینی و ذهنی درهم آمیخته شده‌اند. واژگان انتزاعی به کاررفته در شعر شاعر شامل اسم، صفت، مضاف‌الیه، قید و غیره است. واژگانی همچون «شیطان»، «شاد»، «سرخ»، «ایمان»، «یقین»، «اسلام»، «نیرنگ»، «ننگ»، «رنگ»، «مرگ»، «صدا» در گروه واژگان انتزاعی جای می‌گیرند و در کنار آن، واژگانی همچون «پل»، «گیسو»، «حصار»، «پرچین»، «مرهم»، «حنجره»، «شعله»، «خنجر»، «سپر»، «گرز»، عینی و حسی هستند. کثرت واژگان ذهنی در شعر حسینی در مقابل واژگان عینی، نشان از انتزاعی‌بودن سبک او دارد.

۲-۲. واژگان کهن و نو

استفاده از عناصر کهنه زبان و زنده کردن دوباره واژگان کهن جهت تشخیص بخشیدن به زبان شعر را آرکائیسم یا کهن‌گرایی می‌نامند. «شاید پس از وزن و قافیه، معروف‌ترین و پرتأثیرترین راه‌های تشخیص دادن به زبان، کاربرد آرکائیک زبان باشد؛ یعنی، به کار بردن الفاظی که در زبان روزمره عادی به کار نمی‌روند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۲۴). توجه به عناصر زبان و فرهنگ گذشته، موجب اصالت شعر می‌شود و «غفلت از آن، چشم‌پوشی از بخش وسیعی از امکانات و توانایی‌های بالقوه است که می‌تواند به اشکال و صور مختلف به وسیله شعر فعلیت پیدا کند» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۷۷).

بن جانسن منتقد انگلیسی می‌گوید: «واژگانی که از اعصار کهن اقتباس می‌شود، نوعی شکوه و جلال به سبک می‌بخشد و خالی از حظ و لذت نیست؛ زیرا، از قدرت سالیان برخوردار است و بر اثر مدتی فترت، نوعی تازگی شکوه‌مند احراز می‌کند» (دیچز، ۱۳۷۳: ۲۵۷). این شیوه بیانی در دوره معاصر، موجب شکل‌گیری سبک و تأثیر کلام در مخاطب گشته است. در کنار واژگان کهن در شعر معاصر، گاهی شاعران به واژه‌سازی روی می‌آورند و با این کار علاوه بر متمایز کردن سبک شعری خود از دیگر معاصران، زبان خود را غنی ساخته و به انتقال بهتر اندیشه‌های خود به مخاطب کمک می‌کنند. پیرامون واژه‌سازی در زبان باید گفت: «گاه نویسنده یا شاعر براساس قیاس دستوری و اصول ساخت واژه، صورت زبانی تازه‌ای می‌سازد که پیش از آن در زبان وجود نداشته است» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۵۶). در تعریف این شکل قیاسی باید گفت: «صورتی است که برحسب قانونی معین از روی الگوی یک یا چند صورت دیگر ساخته شده باشد» (سوسور، ۱۹۱۳: ۲۳۵).

شعر، قابلیت بیشتری برای واژه‌سازی و کاربرد واژگان نو دارد؛ زیرا، «زبان شعر به جهان درون خود شعر معطوف است؛ یعنی، واژه‌ها در شعر معطوف به خویش‌اند و نشانه‌ها به خود ارجاع می‌دهند نه به مصداق بیرونی» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۵۷)؛ به همین سبب، بسامد فراوان واژگان نو را در شعر معاصر می‌توان مشاهده نمود. حسینی از واژگان کهن برای بیان افکار و اندیشه‌های اجتماعی، سیاسی و حماسی خود و توصیف مبارزان در میدان‌های رزم استفاده می‌کند. او علاوه بر انتقال مفاهیم ذهنی خود به خواننده شعرش، با کاربرد این واژگان، زبان شعری خود را برجسته می‌سازد:

- «گذشتند چون از حصار خزان/ چه دیدند آن سوی پرچین سرخ» (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۷).
- «چابک براق عاشقی را زین نهادند/ پا در رکاب باره دیرین نهادند» (همان: ۳۹).
- «در پس پشتم برادر نقشه خنجرکشید/ دشمنم در پیش رو طراحی زوین گرفت» (حسینی، ۱۳۸۸: ۹۲).
- «از این گونه می‌گذرد/ با لبانی در شرف لبخند/ براقی سرخ/ با برگستوان فاخری از خون» (حسینی، ۱۳۹۱: ۲۳).

واژگانی همچون «حصار»، «پرچین»، «بِراق»، «باره»، «خنجر»، «زوبین» و «برگستوان» که برگرفته از متون حماسی در گذشته‌های دور است، شکلی تاریخی به کلام او بخشیده و سبب تقویت زبان آرکائیک در شعرش گردیده است.

«سیمرغ‌های یخزده را دیدی / جرمشان / تلفظ نابهنجار حرف قاف بود» (حسینی، ۱۳۹۳: ۴۴).

واژه‌های «سیمرغ» و «حرف قاف» در قاموس فرهنگ عرفانی است و وجود خارجی ندارد؛ به‌علاوه، این واژگان در کتاب‌های کهن ادبی حضوری پررنگ دارند.

- «اگر دشنه آذین کنی گرده‌مان / نبینی تو هرگز دل آزرده‌مان» (حسینی، ۱۳۸۶: ۴۳).

- «شاعری را یک روز / زیر بازارچه شلاق زدند / ژنده‌پوشی سبب واقعه را جویا شد» (حسینی، ۱۳۸۷: ۷۵).

در بندهای بالا واژه‌های «آذین» و «ژنده‌پوش» از واژه‌های غیرمستعمل در زبان امروز است و در فرهنگ واژگان کهن قرار می‌گیرد. حسینی، علاوه بر کاربرد واژگان کهن در شعر، گاهی با استفاده از واژه‌سازی و آوردن واژگان نو و بدیع نیز، کلام خود را غنای خاصی می‌بخشد و بر انتقال بار معنایی شعر می‌افزاید:

«به بازگشت نمی‌اندیشم / به خنجرهایی که زرق و برقشان / سمج‌ترین شانه‌ها را / مجاب می‌کند» (حسینی، ۱۳۹۳: ۴۰).

گاه، این واژه‌های نو در قالب زبان دیگری همچون زبان عربی می‌گنجد؛ واژه «مجاب» نمونه‌ای از این واژگان است.

- «امانت‌واره‌ای همراه ماه بود / ز خاطر برده‌ایم آن را چه کردیم» (حسینی، ۱۳۸۸: ۲۲).

- «و تیغۀ کلنگ کوچک من / جز به سنگواژه‌ها / سلام نمی‌کند» (حسینی، ۱۳۹۳: ۳۰).

- «و گلوی نوباوه‌اش / به فریادهای مقدس / اصالت می‌داد» (حسینی، ۱۳۸۵: ۳۴).

ابداع واژگان نیز در خلال سروده‌های حسینی به چشم می‌خورد؛ ورود واژگانی همچون «امانت‌واره»، «سنگواژه» و «نوباوه» در قاموس واژگانی شاعر با این ابداع صورت گرفته است.

بررسی سروده‌های حسینی نشان از آن دارد که این شاعر معاصر و انقلابی از واژگان کهن برای بیان اندیشه‌ها و مفاهیم حماسی، عاطفی، سیاسی و انقلابی خود بهره برده است. بسامد واژگان کهن نسبت به واژه‌های نو در سروده‌های شاعر بیشتر است و این موضوع بیانگر آن است که شاعر درصدد است با استفاده از واژگان کهن به شعر خود صلابت و استواری خاصی بخشد و به نوعی زبان گذشته را احیا کند. واژگانی همچون «چکاد»، «برگستوان»، «مجمر»، «آخته»، «سنان»، «زوبین»، «مقرنس»، «دستار»، «محاق»، «باژگونه»، «دیو»، «ژنده‌پوش»، «هماورد»، «نکته»، «حصار» و «آکنده» کاربرد فراوانی در شعر او دارد. البته، در دو مجموعه از شرابه‌های روسری مادرم و نوش‌داروی طرح زرنیک، تعداد واژگان کهن کمتر است و این واژگان بیشتر در مجموعه‌های سفرنامه گردباد، گنجشک و جبرئیل، هم‌صدا با حلق اسماعیل و در ملکوت سکوت دیده می‌شود. با توجه به این که این مجموعه‌ها دربرگیرنده سروده‌های انقلابی و دینی شاعر است، واژگان کهن نیز برای انتقال این مضامین به کار رفته است.

نتیجه‌گیری

سبک‌شناسی لایه‌ای در سطوح مختلف تعریف شده است که شامل لایه آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژی می‌شود. در این پژوهش، لایه‌های واژگانی اشعار سیدحسن حسینی در دو گروه مفهومی و صوری قرار می‌گیرد. لایه‌های مفهومی شامل مفاهیم دینی، حماسی، سیاسی و عاطفی هستند. در اشعار سیدحسن حسینی، پیوسته از واژگان دینی استفاده شده است. این مضامین معمولاً با استفاده از آرایه تلمیح و تضمین، به مفاهیم قرآنی یا احادیث و روایات اشاره می‌کند و شاعر تلاش خویش را به کار می‌بندد تا تصویرگر آن مفهوم دینی باشد.

لایه حماسی واژگان حسینی نیز، در خدمت لایه دینی بوده است؛ بدین صورت که گاه، سروده‌های حماسی خویش را با آمیزه‌های دینی مانند شهادت ترکیب می‌کند و جنگاوری رزمندگان میهن را به تصویر می‌کشد. در لایه واژگان سیاسی نیز، اهتمام شاعر به آوردن نام چهره‌های شاخص سیاسی پس از انقلاب است که نخست، نشان‌دهنده همراهی و هم‌آوایی وی با جریان انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی است و دیگر اینکه، وی با تکیه بر نگاه هنر برای زندگی، هنر خویش یعنی طبع ذوق شعری‌اش را با عرصه‌های مختلف زندگی

همچون سیاست درآمیخته است. در بررسی لایهٔ واژگان عاطفی نیز، به کاربست جنبه‌های گوناگون ادب غنایی در سروده‌های شاعر پی می‌بریم.

در بخش لایه‌های صوری نیز، شاعر از سطوح فرعی تری در کاربرد واژگان استفاده کرده است که شامل واژگان حسی، انتزاعی، نو و کهن می‌شود. در شعر حسینی واژگان انتزاعی و محسوس در محور کلام در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و واژگان عینی به درک مخاطب از واژگان انتزاعی کمک می‌کنند. ترکیب لایهٔ واژگان انتزاعی و حسی، توانایی پرداخت موضوعات شعری گوناگون و احساسات درونی را به شاعر می‌دهد و از این رهگذر، سبک ادبی ویژه و منحصر به فرد سیدحسن حسینی کشف می‌شود.

الف) منابع فارسی

- قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان، قم: انتشارات اسوه.
- امیری خراسانی، احمد و اکرمی نیا، عصمت (۱۳۹۶). «جایگاه رجز در شعر دفاع مقدس»، نشریه ادبیات پایداری، سال نهم، شماره ۱۶، صص ۲۱-۴۰.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۱). سفر در مه، تهران: نگاه.
- جعفری قریه‌علی، حمید و غریب‌حسینی، زهرا و خدادادی، مهدی (۱۳۹۴). «بررسی عناصر حماسی در رباعیات پس از انقلاب اسلامی»، نشریه ادبیات پایداری، سال هفتم، شماره ۱۲، صص ۸۳-۱۰۱.
- حسینی، سیدحسن (۱۳۸۵). از شرابه‌های روسری مادرم، چاپ اول، تهران: انجمن شاعران ایران.
- ... (۱۳۹۳). در ملکوت سکوت، چاپ دوم، تهران: انجمن شاعران ایران.
- ... (۱۳۸۸). سفرنامه گردباد، چاپ دوم، تهران: انجمن شاعران ایران.
- ... (۱۳۹۱). گنجشک و جبرئیل، چاپ نهم، تهران: افق.
- ... (۱۳۸۷). نوش‌داری طرح ژنریک، چاپ ششم، تهران: انتشارات سوره مهر.
- ... (۱۳۸۶). هم‌صدا با حلق اسماعیل، چاپ سوم، تهران: حوزه هنری.
- ... (۱۳۷۳). موسیقی شعر، چاپ چهارم، تهران: آگاه.
- داد، سیما (۱۳۸۰). فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید.
- دیچز، دیوید (۱۳۷۳). شیوه‌های نقد ادبی، ترجمه محمدتقی صدقیانی و غلامحسین یوسفی، چاپ چهارم، تهران: علمی.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶). سر دلبران، تهران: مازیار.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹). شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب، چاپ هشتم، تهران: انتشارات علمی.
- سوسور، فردینان دو (۱۹۱۳). دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه کوروش صفوی، تهران: هرمس.

- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۴). «انواع ادبی و شعر فارسی»، دانشگاه شیراز، مجله خرد و کوشش، دفتر دوم و سوم، صص ۹۶-۱۱۹.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۸). کلیات سبک‌شناسی، چاپ سوم، تهران: میترا.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- غلامرضایی، محمد (۱۳۹۱). سبک‌شناسی پارسی از رودکی تا شاملو، چاپ چهارم، تهران: جامی.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، چاپ سوم، تهران: سخن.
- همتی، همایون (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی دین از دیدگاه استاد مطهری و شریعتی، نامه فرهنگ، شماره ۱، صص ۲۰-۳۱.

ب) منابع لاتین

- Johnson, Daniel Ezra؛ Nycz, Jennifer (2015). Partial Mergers and Near-Distinctions: Stylistic Layering in Dialect Acquisition. "University of Pennsylvania, Working Papers in Linguistics", 107-117.
- Labov, William, Malcah Yaeger, and Richard Steiner (1972). A Quantitative Study of Sound Change in Progress, U.S. Regional Surveys.
- Leech, Geoffrey. N (1981). A linguistic Guide to English poetry, London (3rd ed. 1973).
- Moon, R (1997). Vocabulary connections: Multi-word items in English. In N. Schmitt & McCarthy (Eds.), Vocabulary: Description, acquisition and pedagogy (pp. 40-63), Cambridge: Cambridge University Press.

